خبر

بیانیه هیئت رزمندگان اسلام در پی اهانت فیلم «عنکبوت مقدس»

امسال باشکوه‌تر برای امام رضا(ع) جشن می‌گیریم

هیئت رزمندگان اسلام در پی هتک حرمت امام رضا(ع) بیانیه‌ای صادر و اعلام کرد: همگام با دیگر هیئت‌ها و عده‌ای طرد پی هویت شده، نمی‌تواند ذره‌ای از ارادت مردم ایران به امام رئوف بکاهد.

تصور دشمنان اسلام و ملت ایران آن است که با این نوع اقدامات می‌توانند به جایگاه امام هشتم در میان مردم و به‌خصوص جوانان خدشه‌ای وارد کرده و اعتقاد و باورهای دین و دینداری آشکار کنند.

در راستای چنین سیاست شیطانی، چندی پیش در قالب یک فیلم سینمایی، هتک حرمت امام رئوف، ثامن‌الحجج آقا علی بن موسی الرضا(ع) را در دستور کار قرار داده و با جایزه دادن به بازیگر هویت آن دست داده در این فیلم، تصور کردند به اهداف خود که همانا ضربه به اعتقادات ملت مسلمان، مؤمن و انقلابی ایران است، دست خواهند یافت! اما ذهن خیال باطل، نه جوایز سفارشی و تبلیغاتی مستکبران در جشنواره‌های سیاسی غربی و نه لجن‌پراکنی عده‌ای طرد پی هویت شده، نمی‌تواند ذره‌ای از ارادت مردم ایران به امام رئوف بکاهد.

تصور دشمنان اسلام و ملت ایران آن است که با این نوع اقدامات می‌توانند به جایگاه امام هشتم در میان مردم و به‌خصوص جوانان خدشه‌ای وارد کرده و اعتقاد و باورهای دین و دینداری آشکار کنند.

در راستای چنین سیاست شیطانی، چندی پیش در قالب یک فیلم سینمایی، هتک حرمت امام رئوف، ثامن‌الحجج آقا علی بن موسی الرضا(ع) را در دستور کار قرار داده و با جایزه دادن به بازیگر هویت آن دست داده در این فیلم، تصور کردند به اهداف خود که همانا ضربه به اعتقادات ملت مسلمان، مؤمن و انقلابی ایران است، دست خواهند یافت! اما ذهن خیال باطل، نه جوایز سفارشی و تبلیغاتی مستکبران در جشنواره‌های سیاسی غربی و نه لجن‌پراکنی عده‌ای طرد پی هویت شده، نمی‌تواند ذره‌ای از ارادت مردم ایران به امام رئوف بکاهد.

اسلام‌ستیزی و ایران‌ستیزی شده و در این جشنواره‌ها عمدتا به فیلم‌ها و بازیگرانی جایزه می‌دهند که رفتاری شیطانی، ضداسلامی و ضدایرانی بوده و سردمداران این کشورها از رهگذر این سیاست ضدانسانی و غیراخلاقی، تلاش کرده‌اند دیدگاه جهانیان را به اسلام و مردم مسلمان و انقلابی ایران تغییر دهند.

براساس چنین سیاست شیطانی، مدت‌هاست جشنواره‌های فیلم خارجی تبدیل به ابزاری برای اسلام‌ستیزی و ایران‌ستیزی شده و در این جشنواره‌ها عمدتا به فیلم‌ها و بازیگرانی جایزه می‌دهند که رفتاری شیطانی، ضداسلامی و ضدایرانی بوده و سردمداران این کشورها از رهگذر این سیاست ضدانسانی و غیراخلاقی، تلاش کرده‌اند دیدگاه جهانیان را به اسلام و مردم مسلمان و انقلابی ایران تغییر دهند.

براساس چنین سیاست شیطانی، مدت‌هاست جشنواره‌های فیلم خارجی تبدیل به ابزاری برای اسلام‌ستیزی و ایران‌ستیزی شده و در این جشنواره‌ها عمدتا به فیلم‌ها و بازیگرانی جایزه می‌دهند که رفتاری شیطانی، ضداسلامی و ضدایرانی بوده و سردمداران این کشورها از رهگذر این سیاست ضدانسانی و غیراخلاقی، تلاش کرده‌اند دیدگاه جهانیان را به اسلام و مردم مسلمان و انقلابی ایران تغییر دهند.

نکته‌های ناب

آیت‌الله حسن عالمی

هنر، مهم‌ترین ابزار برای عمق‌بخشی فرهنگ رضوی در جامعه

عضو مجلس خبرگان رهبری هنر را بهترین ابزار برای تبلیغ روشن کردن حقایق دینی، از هنر است و چنانچه از ابزار هنر برای تبیین و تبلیغ ارزش‌های دینی و اهل بیت(ع) استفاده شود فرهنگ ارزش‌های دینی و اهل بیت(ع) دانست و افزود: هنر یکی از راه‌های نفوذ و عمق‌بخشی معارف رضوی در جامعه است.

به گزارش روابط عمومی بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع)، آیت‌الله حسن عالمی با اشاره به تأثیرات عمیق تولیدات فرهنگی و هنری در انتقال مفاهیم و ارزش‌ها می‌گوید: هنر یک موهبت الهی است و خداوند این توانایی را به انسان داده تا بتواند با هنر خود، مفاهیم و ارزش‌ها را به جامعه اظهار کند؛ بنده معتقدم سخنوری و سخنرانی در حقایق دینی، از هنر است و چنانچه از ابزار هنر برای تبیین و تبلیغ ارزش‌های دینی و اهل بیت(ع) استفاده شود فرهنگ ماندگار و پر فراموش نشدنی‌تر خواهد شد.

وی بیان کرد: در تمامی جوامع، فرهنگ جایگاه خاص خود را دارد این طور بود که گرایش فکری مردم با امام رضا(ع) باید بیش از این‌ها بود؛ بنابراین نیاز به اقداماتی که تاکنون انجام داده‌ایم بسنده نکنیم.

وی با اشاره به روایت امام رضا(ع) که «هر کسی محاسن کلام ما را می‌دانست از ما پیروی می‌کرد» بر ضرورت و اهمیت ترویج سبک زندگی رضوی تأکید و ابراز کرد: باید مانوئیان و فعالان فرهنگی به ترویج سبک زندگی رضوی و اهل بیت(ع) اهتمام بیشتری بورزند تا بتوانیم در معرفت بیشتری به اهل بیت(ع) داشته باشند.

عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به اهانت اخیر به ساحت مقدس حضرت رضا(ع) یادآور شد: کار دشمن دشمنی کردن است و لحظه‌ای بیکار نمی‌نشیند، بنابراین ما باید برای غیرمؤثر کردن تهاجم دشمن در زمینه ارزش‌های دینی خود، درست عمل کرده و لحظه‌ای غفلت نکنیم، در این صورت است که می‌توانیم توطئه‌های گذشته و آینده دشمن را بی‌اثر کنیم.

وی در پایان سخنان خود عنوان کرد: تاکنون نتوانسته‌ایم در خور عظمت و منزلت حضرت رضا(ع) کاری انجام دهیم اما همیشه سعی بنده بر این بوده که در جلسات سخنرانی خود و در محافل مختلف، با استناد به کتاب عیون اخبار الرضا(ع) و با برداشت از نکات آن، در ترویج فرهنگ رضوی اقدامی انجام دهم.

مقدس حضرت رضا(ع) یادآور شد: کارنامه همین است، به نقاط مختلف کشور بروند تا آن‌هایی که دلشان بی‌قرار است بتوانند با پرچم رضوی کمی درددل کنند و ناگفته‌هایی که به هیچ‌کس نگفتند را با مولایشان علی بن موسی الرضا(ع) در میان بگذارند.

ثبت لحظه‌هایی از مواجهه این عاشقان با پرچم رضوی و ابراز ارادتشان نشان می‌دهد یک ایران زیر سایه خورشید است. آدم‌هایی از نسل‌های مختلف، با نقش‌های اجتماعی متفاوت، از شهرهای دور و نزدیک. روایت‌هایی که در ادامه می‌خوانید شاید تمام توصیفی که بتوان از یک تصویر داشت نباشند اما تا حدی ذهن ما را نزدیک می‌کنند. تصاویری که در یک چیز مشترک هستند؛ بوسه بر پرچم متبرک رضوی.

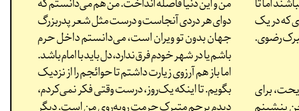

■ به‌یاد رفقایم

سلام آقا. چقدر دلتنگ بودم برای ضریحت، برای تماشای گنبدت، برای اینکه توی صحن بنشینم و زیارت‌نامه بخوانم. برای اینکه به صدای فواره توی حوض، به صدای بال زدن کبوترها و به صدای خنده بچه‌هایی که توی صحن بودند گوش بدهم اما بیخیش. دلم در مشهد بود اما نشد، نتوانستم، می‌دانم تویی که امام رئوف مرا برای زیارت غلبه ضروری‌تر می‌دانی و من بر دلتنگی‌ام برای زیارت غلبه کردم تا در کنار مردم باشم در روزهای سخت. روزهایی که رفقایم را گرفت، رفقایی در همین بیمارستان طالقانی چالوس که آن‌ها هم شوق زیارت را داشتند و حالا شهید مدافع سلامت هستند، رفقایی که امروز به یاد آن‌ها بوسه بر این پرچم متبرک می‌زنم.

■ چقدر توخوبی...

سلام امام مهربانم، سلام به تو که نقطه آغاز عشق و نقطه پایان دلتنگی‌هاستی. امام من، برایم دعا کن تا بتوانم به سرزمینی که زیر سایه خورشید لطف توست خدمت کنم. راستی خودمانی بگویم تو چقدر خوبی. امروز دلم گرفته بود. هوای شهرمان را کرده بود. حس غریبی داشتم. دلم می‌خواست کنار خانواده باشم. اما دلتنگی‌ها رفع شد، در یک لحظه؛ در لحظه‌های ناب. همان وقتی که پیشانی بر پرچم متبرک تو گذاشتم. چه خوب از دل‌های ما آگاهی و چه خوب اندوه قلب را سبک می‌کنی. با این اوصاف می‌شود عاشقت نبود؟

■ سنه قربان آقام

ما آدری‌ها شیفته آقا ابوالفضل(ع) هستیم؛ شیفته مرام و معرفتش. شیفته ادبش. ما آدری‌ها عاشق اهل بیت(ع) هستیم و ما اگر بنی‌هاشم، آقا ابوالفضل را جور دیگری دوست داریم. چند روز پیش، از سقای کربلا خواستم تا عمری باقی است یک سفر مشهد را روزی او کند. خواستم عطر حرم در مشامم بپیچد. خواستم غم‌ها را بر بال کبوتران حرم بگذارم تا سبک شوم. چند روز گذشت که دیدم صدای چاووشی خوانی می‌آید؛ صدای صلوات. بیرون که رفتم دود اسپند و غلغله جمعیت توجه‌ام را جلب کرد. پرچم حرم آقا علی بن موسی الرضا بود که مردم بر آن بوسه می‌زدند. رفتم نزدیک. پرچم را بر دیده گذاشتم. دلم می‌خواست لحظه لحظه‌اش را با تمام وجود حس کنم. چشمم روشن شد. دلم آرام شد. سنه قربان آقام که این‌قدر مهربانی. قربان تو و عمویت عباس، قربان تو و جوادت، قربان شما خاندان کرم که محبتان هرجای دنیا باشد صدایش را می‌شنوید و بر احوالش آگاهید چون دنیا زیر سایه خورشید شماست.

■ به یاد صریح تو

پدربزرگ یک عکس با کتبد و بارگاهت داشت. هروقت چشمش به آن عکس می‌افتاد بی‌لب زمزمه می‌کرد: «هرلحظه جهان بدون تو ویران است/ عالم سر سفره شما مهمان است/ در خدمتِ توست آسمان‌ها و زمین/ جاروکش صحن‌های تو یاران است!»

حال خوب پدربزرگ را دوست داشتم اما نمی‌توانستم کامل بفهمم. در رویاهای کودکی‌ام سوار قطار می‌شدم، به مشهد می‌آمدم برای زیارت، از بازارهای کنار حرم سوغاتی می‌خریدم. برای مادرجان نبات و برای پدربزرگ یک عطر برای جانشان. امروزگاربین من و این دنیا فاصله انداخت. من هم می‌دانستم که دوای هر دردی آنجاست و درست مثل شعر پدربزرگ جهان بدون تو ویران است، می‌دانستم داخل حرم باشم یا در شهر خودم فرق ندارد، دل باید با امام باشد.

اما باز هم آرزوی زیارت داشتم تا حواجیم را از نزدیک بگویم. تا اینکه یک‌روز، درست وقتی فکر نمی‌کردم، دیده پرچم متبرک حرمت روبه‌روی من است. دیگر چیزی یادم نمی‌آید. خودم را در آغوش ضریح حس می‌کردم. انگار بغض چند ساله ترکیده بود. حالا می‌شد هر آنچه در دل دارم را بگویم. حالا می‌فهمم حس خوب بودن در کنار ضریح تو به چه معناست. نگو تا برزگواری او بر کسی آشکار نشود مگر از زبان خود من. (همان، ص ۲۴۱)

۳- منابع تاریخی، امام رضا(ع) را پرهیزگاری می‌دانند که مکرر به زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج و عمره می‌رفت. ایشان به زیارت قبر پیامبر(ص) علاقه فراوانی داشت. بالای قبر پیامبر(ص) می‌رفت و خودش را به قبر شریف می‌چسبانید. در کنار قبر پیامبر(ص) ۶ یا هشت رکعت نماز می‌خواند. در رکوع یا سجده سبحان‌الله سه بار یا بیشتر می‌گفت، زمانی که نمازش تمام می‌شد به سجده می‌رفت. آن‌قدر سجده را طولانی می‌کرد که عرق ایشان روی ریگ‌های مسجد می‌ریخت. صورت مبارکش را روی زمین یا خاک مسجد می‌گذاشت، دائم در حال عبادت بود و به عبادت عشق می‌ورزید و برای عبادت خداوند انواع رنج‌ها را تحمل می‌کرد. (همان ص ۴۷۳)

۴- روزی ایشان با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشت و سخنان زیادی بین امام(ع) و حاضران رد و بدل می‌شد. جمعیت زیادی در آن مجلس حاضر بودند. زمانی که ظهر شد امام فرمودند: وقت نماز است. یکی از حاضران که عمران نام داشت گفت: حضرت با آن معنا پیدا می‌کند سلوک وجه‌الملهی است. آنچه در سلوک رفتاری حضرت هم از نظر کمیت و کثرت و هم از نظر کیفیت متجلی و ظاهر بود و خود را نشان می‌داد عبادت عارفانه و عاشقانه بود، به‌گونه‌ای که همه و درک آن برای کسانی که عبادت در این مرتبه از کمیت و کیفیت را تجربه نکردند سخت و دشوار است، چرا که در گزارش آمده است:

۱- اباصلت می‌گوید: من در سرخس به خانه‌ای که حضرت را زیر نظر گرفته بودند رفتم. از نگهبان اجازه گرفتم، او گفت: حالا موقع رسیدن به حضور ایشان نیست، گفتم: چرا؟ گفت: امام(ع) در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند و از نماز، یک ساعت پیش از ظهر و نزدیک غروب فارغ می‌شود و همه اوقاتش در جای نماز نشسته و مشغول مناجات خدا می‌شود. اباصلت به نگهبان می‌گوید در همین موقع اجازه بگیر. اجازه گرفت و من در همان حال که ایشان انتظار نماز را داشتند به حضورش شرفیاب شدم. (ابن‌بابویه، صدوق، عیون اخبارالرضا، علی اکبر غفاری، ج۲، ص ۲۳۱-۴۳۲)

۲- خُرَدی به نام رجاء بن ابی الضحاک (دایی مأمون) در مورد عبادت و مناجات امام رضا(ع) چنین می‌گوید: مأمون مرا نزد امام(ع) به مدینه فرستاد که ایشان را از مدینه به خراسان نزد وی ببرم. مأمون سفارش کرده بود مواظب امام باشم، مسیر را به بصره، اهواز، فارس و خراسان بیا و خیلی سفارش شده بود شبانه‌روز از ایشان جدا نشوم. وی می‌گوید: من همیشه کنار امام بودم و کسی را با تفاوت دربرابر خدای متعال مثل او ندیدم، ذکر خدا همیشه بر لبانشان جاری بود، همیشه خدا ترس و پارسا بود، موقعی که وقت نماز می‌شد در سجده‌گاه خود می‌نشست و دعای هر دری آنچاست و درست مثل شعر پدربزرگ جهان بدون تو ویران است، می‌دانستم داخل حرم باشم یا در شهر خودم فرق ندارد، دل باید با امام باشد. اما باز هم آرزوی زیارت داشتم تا حواجیم را از نزدیک بگویم. تا اینکه یک‌روز، درست وقتی فکر نمی‌کردم، دیده پرچم متبرک حرمت روبه‌روی من است. دیگر چیزی یادم نمی‌آید. خودم را در آغوش ضریح حس می‌کردم. انگار بغض چند ساله ترکیده بود. حالا می‌شد هر آنچه در دل دارم را بگویم. حالا می‌فهمم حس خوب بودن در کنار ضریح تو به چه معناست. نگو تا برزگواری او بر کسی آشکار نشود مگر از زبان خود من. (همان، ص ۲۴۱)

۳- منابع تاریخی، امام رضا(ع) را پرهیزگاری می‌دانند که مکرر به زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج و عمره می‌رفت. ایشان به زیارت قبر پیامبر(ص) علاقه فراوانی داشت. بالای قبر پیامبر(ص) می‌رفت و خودش را به قبر شریف می‌چسبانید. در کنار قبر پیامبر(ص) ۶ یا هشت رکعت نماز می‌خواند. در رکوع یا سجده سبحان‌الله سه بار یا بیشتر می‌گفت، زمانی که نمازش تمام می‌شد به سجده می‌رفت. آن‌قدر سجده را طولانی می‌کرد که عرق ایشان روی ریگ‌های مسجد می‌ریخت. صورت مبارکش را روی زمین یا خاک مسجد می‌گذاشت، دائم در حال عبادت بود و به عبادت عشق می‌ورزید و برای عبادت خداوند انواع رنج‌ها را تحمل می‌کرد. (همان ص ۴۷۳)

۴- روزی ایشان با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشت و سخنان زیادی بین امام(ع) و حاضران رد و بدل می‌شد. جمعیت زیادی در آن مجلس حاضر بودند. زمانی که ظهر شد امام فرمودند: وقت نماز است. یکی از حاضران که عمران نام داشت گفت: حضرت با آن معنا پیدا می‌کند سلوک وجه‌الملهی است. آنچه در سلوک رفتاری حضرت هم از نظر کمیت و کثرت و هم از نظر کیفیت متجلی و ظاهر بود و خود را نشان می‌داد عبادت عارفانه و عاشقانه بود، به‌گونه‌ای که همه و درک آن برای کسانی که عبادت در این مرتبه از کمیت و کیفیت را تجربه نکردند سخت و دشوار است، چرا که در گزارش آمده است:

۱- اباصلت می‌گوید: من در سرخس به خانه‌ای که حضرت را زیر نظر گرفته بودند رفتم. از نگهبان اجازه گرفتم، او گفت: حالا موقع رسیدن به حضور ایشان نیست، گفتم: چرا؟ گفت: امام(ع) در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند و از نماز، یک ساعت پیش از ظهر و نزدیک غروب فارغ می‌شود و همه اوقاتش در جای نماز نشسته و مشغول مناجات خدا می‌شود. اباصلت به نگهبان می‌گوید در همین موقع اجازه بگیر. اجازه گرفت و من در همان حال که ایشان انتظار نماز را داشتند به حضورش شرفیاب شدم. (ابن‌بابویه، صدوق، عیون اخبارالرضا، علی اکبر غفاری، ج۲، ص ۲۳۱-۴۳۲)

۲- خُرَدی به نام رجاء بن ابی الضحاک (دایی مأمون) در مورد عبادت و مناجات امام رضا(ع) چنین می‌گوید: مأمون مرا نزد امام(ع) به مدینه فرستاد که ایشان را از مدینه به خراسان نزد وی ببرم. مأمون سفارش کرده بود مواظب امام باشم، مسیر را به بصره، اهواز، فارس و خراسان بیا و خیلی سفارش شده بود شبانه‌روز از ایشان جدا نشوم. وی می‌گوید: من همیشه کنار امام بودم و کسی را با تفاوت دربرابر خدای متعال مثل او ندیدم، ذکر خدا همیشه بر لبانشان جاری بود، همیشه خدا ترس و پارسا بود، موقعی که وقت نماز می‌شد در سجده‌گاه خود می‌نشست و دعای هر دری آنج